

بررسی فقهی تکلیف به قضای عبادات مادر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

ابوالفضل محمدزاده^۴

چکیده

یکی از مسائل کاربردی فقه، مسئله وجوب یا عدم وجوب نماز و روزه های قضای مادر پس از مرگ بر عهده ی ولیّ (بزرگترین فرزند پسر) می‌باشد. طبق بررسی های صورت گرفته توسط مؤلف در متون فقهی نظیر آثار شهیدین اول و ثانی، محققین اول و ثانی، علامه حلی و شیخ طوسی به صورت تفصیلی به این مطلب پرداخته نشده است و در این مقاله سعی بر این است که تمامی ادله و مستندات این بحث مورد بررسی قرار گیرد. پیش فرض ما این است که طبق روایات وارده، نماز و روزه ی قضای مرد پس از مرگ بر عهده ی ولیّ او می‌باشد. هدف این پژوهش، پرسش به این سوال مهم است که آیا علاوه بر پدر، نماز و روزه های قضای مادر نیز بر گردن ولیّ واجب است یا خیر؟ در این راستا پس از بیان نظریه ی گروه اول (قائلین به الحاق زن به مرد در حکم مذکور) و گروه دوم (قائلین به عدم الحاق زن به مرد در حکم مذکور) مستندات و ادله هر گروه بررسی و به اشکال های وارده پاسخ داده شد.

کلیدواژگان: نماز قضا، روزه ی قضا، الحاق زن، رجل، امرأه.

^۴ دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم، abolfazl.mhh@gmail.com

مقدمه

قضای تکالیف شرعیه مرد پس از مرگ، با اهداف مختلفی از سوی شارع بر عهده ولیّ (بزرگترین فرزند پسر) قرار گرفته است. اما محل بحث تکالیف مادر پس از مرگ می‌باشد. آیا زن نیز در حکم مذکور به مرد ملحق می‌شود یا خیر؟ پاسخ پرسش فوق از دو جهت حائز اهمیت است. اول اینکه در فرض استقرار تکالیف مادر بر ذمه ولیّ، این امور مانند واجبات خود ولیّ برای او الزام آور بوده و نیاز به اتیان دارند. دوم نظریه‌ی مشهور اصولی عدم اجزا پس از انکشاف خطای یقینی که اکثر اصولیون آنرا اختیار کرده اند، می‌باشد. در این مقاله دو نظریه‌ی الحاق یا عدم الحاق زن به مرد بیان و ادله و مستندات هر نظریه تحلیل و بررسی خواهد شد. پیشنهاد این مطلب در این مقاله به نظریه‌ی شیخ طوسی باز می‌گردد و پس از آن، نظریه‌ی برخی متقدمین و سپس متأخرین بیان خواهد شد.

سخن قائلین به الحاق

می‌توان گفت اکثر فقهای این گروه راه متقدمین تشکیل می‌دهند. در این فصل نظر پنج تن از فقها را به ترتیب عصر حضورشان بررسی خواهیم کرد.

۱) شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ هـ.ق)

والمرأة ایضا حکمها حکم ما ذکرناه فی انّ ما یفوتها من الصیام لمرض أو طمث، لا یجب علی احد القضاء عنها، إلا أن تكون قد تمكنت من القضاء فلم تقضه، فإنه یجب القضاء عنها و جب ایضا القضاء عنها ما یفوتها بالسفر حسب ما قدّمناه فی حکم الرجال (طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰ ق: ج ۱، ص ۱۵۸).

ترجمه: و حکم زن نیز حکمی است که ذکر کردیم، در این که قضای آنچه از روزه به خاطر مریضی یا عادت از او فوت شده، بر هیچ کس واجب نیست مگر اینکه امکان قضا برای او وجود داشته و آنها را اعاده نکرده باشد که در این صورت قضای آن (توسط ولی) واجب است. و همچنین قضای آنچه از او در سفر فوت شده نیز به همان صورت که در حکم رجال گفتیم واجب است.

از عبارت "فإنه يجب الضامن عنها ... " کاملاً مشخص است که شیخ طوسی قائل به استقرار روزه ی قضای مادر بر ذمه ی ولی می باشند. لازم به ذکر است ایشان هیچگونه دلیلی برای نظریه شان بیان نکرده اند .

۲) قاضی ابن براج (متوفی ۴۸۱ هـ ق)

و المريض إذا مات و قد كان و جب عليه صوم شهرين متتابعين صام عنه وليه شهرا و تصدق عن شهر و لا فرق فيما ذكرناه بين أن يكون المريض رجلاً أو امرأة (طرابلسی، المهذب (لابن البراج)، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۱۹۶).

ترجمه: و زمانی که شخص مریض فوت کند و (قبلاً) دو ماه روزه ی پی در پی بر او واجب شده باشد، ولی او یک ماه روزه می گیرد و ماه دیگر را کفاره می پردازد. در این مورد فرقی بین اینکه مریض مرد یا زن باشد نیست.

از قسمت "و لا فرق فيما ذكرناه ... " معلوم است که نظر جناب قاضی قائل به وجوب روزه ی قضای زن پس از مرگ بر گردن ولی می باشند. ایشان نیز ادله ای برای قول خود بیان نکردند.

۳) محقق اول (متوفی ۶۷۶ هـ ق)

ایشان در دو اثر خود به صورت مجزا به این مسأله پرداخته اند و در هر دو اثر نظریه ی واحدی را اختیار کرده اند.

الف) و حکم المرأة فی ذلك حکم الرجل سواء ، و ما يفوتها فی ایام الحيض و جب القضاء عليها ، فإن لم يقض و ماتت و جب علی ولیها القضاء عنها إذا فرطت فيه أو يتصدق عنها (محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۷۰۳).

ترجمه: و حکم زن در موردی که گفتیم مساوی با حکم مرد است. و همچنین قضای آنچه که در ایام حیض از زن فوت شده بر او واجب است. اما اگر زن در صورت توانایی از قضای آن، فوت کرد و آنرا قضا نکرد قضای یا کفاره بر گردن ولی او واجب است.

در عبارت ایشان تصریح به تساوی زن و مرد در این مسأله می باشد . همچنین از قسمت وجب علی ولیها وجوب برداشت می شود .

ب (یقضى عن الميت اکبر ولده ما ترکته من صیام لمرض و غیره مما تمکن من قضائه و لم یقضه و یقضى عن المرأة ما ترکته علی تردد (محقق حلی، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ص ۷۰).

ترجمه: بزرگترین فرزند پسر میت، روزه هایی که به سبب بیماری و غیر آن از او قضا شده، در صورتی که توانایی قضا داشته و به جا نیاورده را قضا می کند. و همچنین ولی زن روزه ای که در حین سفر از او فوت شده را قضا می کند. همانطور که از ظاهر متن مشخص است، ایشان قول واحدی را نسبت به نظریه خود در کتاب المعتمد اختیار کرده اند.

۴) علامه حلی (حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی / متوفی ۷۲۶ هـ ق)

طبق نظر برخی متأخرین (از جمله مولی احمد نراقی در کتاب مستند الشیعه) علامه حلی در کتابهای مختلف الشیعه فی احکام الشریعه و تذکره الفقها قائل به الحاق می باشند، اما متأسفانه متن مربوطه در آثار ایشان یافت نشد.

۵) شهید اول (متوفی ۷۸۶ هـ ق)

الف) و امرأة هنا کالرجل علی الأصح (عاملی، شهید اول، ، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۸۹).

ترجمه: و زن در موردی که گفتیم بنا بر قول صحیح تر مانند مرد است. در عبارت ایشان فقط قول به تساوی زن و مرد ظاهر است، اما مستندی برای قول خود نیاورده اند. بر خلاف قول ایشان در ذکری که در ادامه مشاهده می کنید .

ب) و ظاهرهم أنه الرجل لذکرهم إیاه فی معرض الحبوّة و فی بعض الروایات لفظ الرجل و فی بعضها الميت . و کلام المحقق یؤذن بالقضا عن المرأة (محقق حلی، المعتمد فی

شرح المختصر، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۰۳) و لا بأس به اخذا بظاهر الروایات. و لفظ الرجل للتمثيل لا للتخصیص (عاملی، شهید اول، ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۴۴۸).

ترجمه: و ظاهر قولشان این است که منظور مرد است، چرا که مرد را در معرض حَبْوَة (موارد مخصوصی که برای بزرگترین فرزند پسر به ارث می‌گذارد) ذکر کرده اند. در بعضی روایات لفظ رجل به کار رفته و در بعضی لفظ میت. سخن محقق (حلی) مقتضی قضای از زن نیز می‌باشد و اشکالی در اخذ به ظاهر روایات نیست؛ چرا که لفظ رجل برای تمثيل است نه تخصیص.

ادله ایشان پس از بیان قول قائلین به عدم الحاق بررسی خواهد شد.

سخن قائلین به عدم الحاق

عمده فقهای که این نظریه را اختیار کرده اند از متأخرین می‌باشند که در ادامه قول هفت تن از آنان را به ترتیب عصر حضور خواهیم آورد.

۱) ابن ادریس (متوفی ۵۹۸ هـ ق)

قال شیخنا أبو جعفر طوسی رحمه الله: (و المرأة ایضا حکمها ما ذکرناه ، (طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰ق: ج ۱، ص ۱۵۸) و الصحیح من المذهب، و الأقوال إن الحاق المرأة فی هذا الحکم بالرجال یحتاج إلى دلیل. (حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۸)

ترجمه: استاد ما ابو جعفر طوسی رحمت الله علیه گفته اند: (و حکم زن نیز همان حکمی است که گفتیم ...) و قول صحیح از بین اقوال و مذاهب این است که الحاق زن در این حکم به مرد نیازمند دلیل است.

ایشان بر خلاف نظر استادشان شیخ طوسی قائل به عدم الحاق می‌باشند؛ چرا که الحاق را نیازمند دلیل می‌دانند.

۲) فخر المحققین حلی (متوفی ۶۷۶ هـ ق)

هنا مسئلتان (۱) فی القضاء عن المرأة و منشأ الاشکال فیہ عموم قوله تعالی کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۳) و عموم قوله تعالی فَعِدَّةٌ مِنْ اَیَّامٍ اٰخَرَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۴) فنقول هذه المرأة اما ان تكون قد تمكنت من الأداء أو من القضاء أو لا من واحد منهما، و الثاني یسقط عنها و عن ولیها إجماعاً لأن وجوب القضاء علی الولی فی موضع وجوبه تابع لوجوب الأصل علی المیت أداء و قضاء و هذا المیت لم یجب علیه الصوم أداء و لا قضاء و اما عن نفس الشخص فإنه تابع لسبب الوجوب و الأول یصدق انه وجب علیها هذا الصوم و كلما وجب علیها وجب علی ولیها (أما الأولى فللعومین المتقدمین و إجماع الأمة و اما) الثانية فلما رواه أبو بصیر فی الصحیح عن أبی عبد الله علیه السلام: قال سألته عن امرأة مرضت فی رمضان و ماتت فی شوال فأوصتني أن أقضى عنها. قال هل برئت من مرضها قلت لا ماتت فیہ قال لا یقضى عنها. قلت فإني اشتهی ان أقضى عنها و قد أوصتني بذلك فقال و کیف تقضى شيئاً ما جعله الله علیها علل الصادق علیه السلام عدم القضاء بعدم وجوبه علیها و علة العدم بعدمها هی علة الوجود لوجودها و قد ثبت ذلك فی الکلام، و كلما وجدت العلة وجد المعلول، و لانه لو لم یجب القضاء مع البرء لم یکن للاستفسار عن البرء معنی) و فیہ نظر (لانه استدلال بصحته قضاء الوصى علی وجوب قضاء الولی فإنه سأله عن امرأة أوصت و لم یذكر انه ولیها و هذه المقدمه لم تدل الروایه علیها و لم یذكر المستدل علیها دليلاً، و بوجوب القضاء قال الشيخ و ابن البراج و المصنف فی المختلف، و قال فی موضع آخر لا قضاء علیه للأصل و هو الصحیح عندی و به افتی لقوله تعالی وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره مبارکه نجم، آیه ۳۹) خص بالرجل للروایات فبقى الباقي علی الأصل (حلی، فخر المحققین، إیضاح الفوائد فی شرح مشککات القواعد، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

ایشان در ابتدا ادله گروه اول را بیان کرده و سپس آن ها را رد می کنند. ادله و مستندات قول ایشان پس از بیان تمام نظریات این گروه بررسی می شود.

(۳) محقق ثانی کرکی (متوفی ۹۴۰ هـ ق)

لا قضاء عن المرأة (عاملی کرکی، محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ص ۸۰).

ترجمه: نیاز به قضای (ولی) از (روزه های) زن نیست.

۴ و ۵) شهید ثانی (متوفی ۹۶۶ هـ ق) و صاحب ریاض (متوفی ۱۲۳۱ هـ ق)

بر اساس گفته‌ی نویسنده‌ی مستند الشیعہ (نراقی، مستند الشیعہ فی أحكام الشریعہ، ۱۴۱۵) که در ادامه خواهد آمد، این دو بزرگوار همانند ابن ادریس و فخر المحققین قائل به عدم الحاق می باشند. اما متأسفانه متن مربوطه که طبق ادعای جناب نراقی در کتب مسالك الأفهام و ریاض المسائل آمده پیدا نشد.

۶) مولی احمد نراقی (متوفی ۱۲۴۵)

و: المقضی عنه هو الرجل، اقتصاراً علی موضع الوفاق، وفاقاً للحلی و الفخری، و أكثر المتأخرین و کلام المحقق مؤذن بالقضاء عن المرأة، قال فی الذکری: لا بأس بهو اختاره بعض مشایخنا المحققین بل هو مختار الشیخ فی النهایة و عن القاضی و التذکره و المختلف و الدروس. أخذاً بظاهر الروایات، حیث إن معظمها یتضمن لفظ المیت، و هو فی الاستعمال مشترک، و لأن المرأة مثل الرجل فی التکلیفات الشرعیة، و لأن عناية الله سبحانه بالنسبة إلیهما علی السواء. و الأول کان حسناً لو كانت الروایة دالة علی الوجوب، و الثانی ضعیف، لأن المسلم المماثلة فی تکالیف أنفسهم، و الثالث من الاستحسانات المردودة فی مذهبنا. و استدلال الفاضل أيضاً ببعض الأخبار الظاهرة فی جواز قضاء الصوم عن المرأة. و ضعفه ظاهر، فإن الكلام فی الوجوب ثم علی الولی (نراقی، مستند الشیعہ فی أحكام الشریعہ، ۱۴۱۵ ق: ج ۷، ص ۳۳۷).

صاحب مستند مسیر یکسان با فخر المحققین را طی کرده اند و ادله و مستندات گروه

اول را بیان و سپس رد کرده اند که در بخش بعدی آن را بیان خواهیم کرد.

۷) سید محمد حسین ترحینی عاملی (عصر حاضر)

کما هو المشهور بين الأصحاب و عن جماعة منهم ابن إدريس و المحقق و الشهيد الثانيين إلحاق المرأة به مستند المشهور اختصاص أكثر النصوص بالرجل كما في صحيح حفص و مرسل حماد المتقدمين. و مستند غيرهم إطلاق بعض النصوص كخبر عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام: (الصلاة التي دخل وقتها قبل أن يموت الميت يقضى عنه أولى الناس به) و لفظ الميت يشمل الرجل و المرأة، و هذا الإطلاق لا يقتضى تقييده بالرجل الوارد في الأخبار السابقة لأنه لم يكن ذكره من باب التقييد و يؤيده بل يدل عليه ما دل على وجوب قضاء الصوم عن المرأة كما في خبر أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام: (سألته عن امرأة مرضت في شهر رمضان أو طمئت أو سافرت فماتت قبل خروج شهر رمضان هل يقضى عنها؟ فقال: أما الطمئ و المرض فلا، و أما السفر فنعيم). و إذا تم في الصوم فيتم في الصلاة لعدم الفرق (عاملی، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۴۴)

در ادامه مستندات این قول به همراه سایر فقهای دو گروه بررسی خواهد شد.

مستندات و ادله نظریه عدم إلحاق

قائلین به عدم إلحاق زن به مرد در حکم وجوب قضای نماز و روزه ی میت توسط بزرگترین فرزند پسر برای مدعی خود دو دلیل بیشتر ذکر نکردند و ادله دیگرشان در واقع پاسخ و رد ادله و مستندات قائلین به إلحاق (که در بخش بعد خواهد آمد) می باشد.

همانطور که بیان شد، تمام اقوال به استثنای سخن شهید اول در کتاب ذکر عاری از مستند و ادله بودند و در واقع ما در بخش بعدی استدلالاتی که گروه دوم فقها به قائلین به إلحاق منسوب کرده اند را بررسی خواهیم کرد.

(۱) مرحوم سید محمد حسین ترحینی عاملی دو روایت (مرسل حماد و صحیح حفص) در حاشیه ی خود بر روضه البهیه ذکر کرده اند که در آن لفظ "رجل" استعمال شده است. از این رو حکم را به مرد اختصاص داده اند.

پاسخ: در ادامه ایشان می فرمایند ذکر لفظ رجل از باب تقييد و تخصيص حکم به رجل نیست، بلکه از باب تمثيل است و شامل زن نیز می شود.

شهید اول نیز در کتاب ذکری همین استدلال را آورده و قول محقق حلی در الحاق را بدون اشکال می‌دانند.

پاسخ مؤلف: مرسل در برابر روایات صحیحی که مشتمل بر لفظ میت است دارای ضعف بوده و قابل پذیرش نیست.

(۲) چون در برخی روایات لفظ میت و در برخی لفظ رجل آمده قدر متیقن ما "رجل" است و دلیلی بر شمول زن نداریم، پس بر موضع وفاق اکتفا کرده (و نسبت به مورد شک اصل برائت را جاری می‌کنیم)، لذا قول به عدم الحاق را اختیار می‌کنیم.

پاسخ: همانطور که در پاسخ استدلال شماره ۱ بیان شد، بعضی از الفاظ عام می‌باشند و شامل زن نیز می‌شوند و ما دلیلی برای تخصیص نداریم.

مستندات و ادله نظریه الحاق

(۱) برخی نصوص که در این خصوص وارد شده اند لفظ میت را در بر دارند که هم شامل مرد و هم شامل زن می‌شوند و همچنین روایاتی که با لفظ رجل وارد شده از باب تمثیل است نه تخصیص، در نتیجه شامل زن نیز می‌شود.

پاسخ: دلیل دوم که در بخش قبلی بیان شد.

(۲) خبر ابی حمزه بن ابی جعفر علیه السلام و وقتی در مورد روزه این حکم ثابت است در مورد نماز نیز صدق می‌کند، چون فرقی بینشان نیست.

پاسخ مؤلف: در صورت پذیرش روایت، ثبوت حکم برای روزه محل بحث نیست، اما چون روایت منصوص العله نمی‌باشد، تعمیم آن برای نماز از باب قیاسی است که در مذهب شیعه مردود است.

(۳) روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام

پاسخ: در روایت ذکر نشده که سائل، ولی زن بوده، پس روایت دلیل بر شمول حکم مرزن را نمی‌شود.

(۴) زن در تکالیف مانند مرد است.

پاسخ: قدر متیقن این است که در تکالیف خودشان مانند هم می باشند، اما نه تکالیف و لیّشان.

۵) عنایت و توجه خداوند نسبت به زن و مرد مساوی است.

پاسخ: این دلیل قابل قبول نیست، چرا که از استحسانات مردود در مذهب شیعه می باشد.

نتیجه گیری

از جمیع نظریه ها، مستندات و استدلال های هر دو گروه روشن شد که پیش فرض اولیه، (وجوب نماز و روزه های قضای پدر بر عهده ولیّ) قدر متیقن ماست. اما برای الحاق زن به حکم مذکور نیاز به دلیل داریم.

همانطور که در متن کتاب السرائر ابن ادریس بیان شد، الحاق زن به مرد در حکم مذکور نیاز به دلیل دارد. در چند روایت از جمله خبر ابی حمزه و روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام قضای روزه زن توصیه شده بود. برخی این توصیه را دلیل بر وجوب قضا توسط ولی نمی دانند که همین قول نیز صحیح است. چرا که در این اخبار و روایات هیچ گونه تصریحی به وجوب قضا توسط ولی میت نشده و فقط لزوم قضا بیان شده است. این بیانات دلالت بر این می کند که روزه های قضای میت (در فرض های بیان شده یعنی غیر از بیماری که بعد از آن توان اعاده نداشته) از عهده اش ساقط نشده و نیاز به قضا دارد، اما آیا تکلیف بر عهده ی ولی میت است یا خیر؟ روایات و اخبار در این خصوص ساکت اند.

همچنین می توان روایات و اخباری که با لفظ رجل وارد شده اند را به عنوان قدر متیقن گرفته و نسبت به تکالیف میت زن که لفظ میت در دیگر روایات شامل آن می شود و نسبت به آن مشکوکیم برائت جاری کنیم.

در نتیجه پاسخ به این سوال که آیا قضای روزه و نماز زن یا مادر پس از مرگ بر عهده ولی (بزرگترین فرزند پسر) ثابت است یا خیر، خیر می باشد و یا حداقل می توان گفت که از ناحیه ی شارع دلیلی برای ثبوت این مطلب به دست ما نرسیده است. ولله اعلم ...

فهرست منابع

۱. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
۲. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، «إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد»، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ۱۳۸۷ ق.
۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، «النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی»، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۴. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، «المهذب (لابن البراج)»، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ق.
۵. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴ ق.
۶. عاملی، سید محمد حسین ترحینی، «الزبدۃ الفقهیة فی شرح الروضة البهیة»، دار الفقه للطباعة و النشر، قم، چهارم، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۷. عاملی جزینی، شهید اول، محمد بن مکی، «الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة»، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۸. عاملی جزینی، شهید اول، محمد بن مکی، «ذکر الشیعة فی احکام الشریعة»، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۹. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، «المختصر النافع فی فقه الإمامیة»، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۰. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، «المعتبر فی شرح المختصر»، مؤسسه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۷ق.
۱۱. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، «مستند الشیعة فی احکام الشریعة»، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.